

# دو فصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی

License Number: 86227 Article Number: Y4N72714585 ISSN-P: 2717-1132

## بررسی و تحلیل اصل استقلال و بی طرفی دادرس در

## دیوان کیفری بین المللی در راستای دستیابی به نظام دادرسی عادلانه

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۴/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۶/۱۲)

رویا عبدالمهی

### چکیده

اصل استقلال و بی طرفی دادرس یکی از اصول مهم و قابل توجه در سیستم رسیدگی قضایی هم در عرصه داخلی و هم بین المللی می باشد. استقلال دادرس به این معناست که قاضی در جایگاه دادرسی نسبت به موضوع مطرح شده با آزادی کامل و بر مبنای واقعیت ها و بر پایه قانون و بی هر گونه دخالت، فشار یا نفوذ نادرست از جانب هر یک از بخش های حکومت یا جای دیگر رسیدگی و تصمیم گیری کند. پس با این وصف باید توجه داشت استقلال قضایی برای ایده تفکیک قوا حیاتی و مهم است. با توجه به اهمیت بالای این موضوع در مقاله حاضر قصد داریم به بررسی و تحلیل اصل استقلال و بی طرفی دادرس در دیوان کیفری بین المللی در راستای دستیابی به نظام دادرسی عادلانه بپردازیم. روش تحقیق از نوع تحلیلی-توصیفی بوده و ابزار گردآوری اطلاعات و داده ها فیش برداری و بهره از کتب و مقالات مرتبط با موضوع پژوهش است.

**واژگان کلیدی:** استقلال دادرس، نظام قضایی، قاضی، بی طرفی دادرس، دادرسی عادلانه،

رعایت مساوات در دادرسی، اصحاب دعوا



## بخش اول: بررسی و شناخت استقلال و بی‌طرفی دادرسی و ارتباط آن‌ها با یکدیگر

مفاهیم استقلال و بی‌طرفی، به صورت تنگاتنگی با هم مرتبط‌اند و در بعضی از موارد نهادهای ناظر بین‌المللی آن‌ها را توأماً مورد بررسی قرار داده‌اند. در عین حال هر کدام مفهوم و شرایط خاص خود را دارد.<sup>۱</sup> دادگاه عالی کانادا در قضیه والنته علیه کوئن<sup>۲</sup> در خصوص مفاهیم استقلال و بی‌طرفی مقرر داشت: «هر چند که وجود ارتباط تنگاتنگی بین این دو مفهوم تصدیق می‌شود؛ با این وجود آن‌ها اصول جدا و متفاوتی هستند. خصوصاً اصطلاح بی‌طرفی به حالت ذهنی یا رفتار دادگاه در ارتباط با موضوع یا اصحاب دعوا در یک پرونده خاص اشاره دارد. اما واژه‌ی استقلال نه تنها بر حالت ذهنی یا رفتار در اجرای واقعی وظایف قضایی بلکه بر وضعیت یا وابستگی به دیگران خصوصاً با قوه مجریه حکومت که متکی به شرایط یا تضمین‌های عینی است، دلالت ضمنی دارد.»

این نظر در سطح بین‌المللی نیز مورد تأیید قرار گرفته است.

در قضیه دادستان علیه کانیاباشی<sup>۳</sup> دیوان کیفری بین‌المللی برای رواندا به شرح زیر بر تمایز بین استقلال و بی‌طرفی اشاره نمود: «استقلال قضایی بر آزادی از فشارها و مداخلات خارجی دلالت دارد. بی‌طرفی به موجب بی‌نظری در برقراری تعادل بین منافع مشروع در دعوا مشخص خواهد شد.»

این دو مفهوم از یکدیگر متمایز می‌باشد و شأن آن‌ها نیز در تضمین دادرسی عادلانه متفاوت به نظر می‌رسد. بی‌طرفی به معنای جانب‌داری نکردن از شخص یا چیزی مانند عقیده، رأی و حکمی است. در محاکمات قضایی مراد از بی‌طرفی، رسیدگی غیر جانب‌دارانه و بدون پیش‌داوری است. بی‌طرفی به روند محاکمه ارتباط دارد و نشان دهنده این است

---

<sup>۱</sup> . *Human rights in the administration of justice: a manual on human rights for judges, prosecutors and lawyers, professional training series no.9, Office of the high commissioner for human rights in cooperation with the international bar association, p119.*

<sup>۲</sup> . *Valente v. Queen:online available at: <http://csc.lexum.umontreal.ca/en/1985/1985scr2-673/1985scr2-673.html>*

<sup>۳</sup> . *Prosecutor v. Kanyabashi, Appeal Chamber, Decision on the Defence Motion for the interlocutory appeal on the Jurisdiction of Trial Chamber I, Joint and Separate Opinions by Judge MacDonald and Judge Vohrah, 3 June 1999, para 35.*



که قاضی یا داور نباید در طول محاکمه از یک طرف جانب‌داری کند؛ بلکه طرفین باید در بیان مواضعشان فرصت برابر داشته باشند و دادگاه نسبت به قضیه مورد رسیدگی، رفتار مناسب و از دلایل و مدارک پرونده، ارزیابی منصفانه داشته باشد. اما استقلال عبارت است از مصونیت دادگاه یا قاضی از نفوذ و کنترل قدرت سیاسی یا اجرایی، که این نفوذ می‌تواند دادگاه و قاضی را به جانب‌داری از یک طرف دعوا یا یک رأی و عقیده خاص وادار کند، و به بیان دیگر بی‌طرفی دادگاه و قاضی را تضعیف یا زایل گرداند (فضائلی: ۱۳۸۷: ۱۸۱).

دادگاه حقوق بشر اروپا نیز در قضیه ساسیلر لرمینس علیه فرانسه<sup>۱</sup> تصریح نمود که: «مفاهیم استقلال و بی‌طرفی به صورت تنگاتنگ به هم مرتبط‌اند و به طور طبیعی باید آن‌ها را با هم مورد بررسی قرار داد.»

بنابراین، از مقایسه استقلال و بی‌طرفی می‌توان نتیجه گرفت که استقلال خود پیش شرط بی‌طرفی است. البته بی‌طرفی صرفاً با استقلال تضمین نمی‌شود، لیکن به قطع یقین با فقد استقلال، بی‌طرفی نیز مفقود می‌گردد. پس بی‌طرفی، به غیر از استقلال، تضمین‌های دیگری نیز نیاز دارد، استقلال یک پیش شرط و شرط اساسی برای بی‌طرفی است، اگرچه تضمین کاملی برای آن نیست (فضائلی: ۱۳۸۷: ۱۸۲).

برای هر یک از طرفین دعوای مدنی یا کیفری آن چه از همه مهم‌تر است، بی‌طرفی قاضی است و نه لزوماً استقلال او. برای مثال اگر قاضی مستقل نباشد به طور قطع این ظن وجود دارد که او بی‌طرف نخواهد بود، ولیکن در بعضی از پرونده‌های خاص، وابستگی ممکن است بی‌ربط باشد. با این وجود اگر قاضی مغرض باشد برای قضاوت منسب نخواهد بود و در این حالت، استقلال یا عدم استقلال او اهمیت خود را از دست می‌دهد (Bangamwabo: ...: ۲۴۷).

به نظر می‌رسد همین ارتباط موجود بین دو مفهوم سبب تقسیم‌بندی استقلال قضایی به استقلال سازمانی و استقلال رفتاری یا شخصی یا تصمیماتی قاضی از سوی برخی از حقوق دانان شده است. بنابراین ارتباط بین این دو مفهوم، ارائه تعریفی جداگانه را غیر ممکن می‌سازد. با این وجود، نویسنده معتقد است تعاریف زیر می‌تواند به عنوان کوششی در راه شناخت این مفاهیم، راهگشا باشد.

<sup>۱</sup>. Sacilor-Lormines v. France, Judgment of 9 November 2006.



«استقلال قضایی اصلی اساسی از اصول دادگستری عادلانه است که به موجب آن نهاد قضایی و قضات آن در برخورد با موضوعات قضایی با ماهیت و قانون واحد حاکم بر آن، بدون تأثیر پذیری ناموجه از هر منبع مستقیم یا غیر مستقیم خارجی که تعادل و برابری در رسیدگی و صدور حکم را بر هم زند، تنها با در نظر گرفتن واقعیات و قانون قابل اجرا و اصول عدالت و انصاف، دادگستری نمایند.»

«بی طرفی قضایی اصلی اساسی از اصول دادگستری عادلانه است که به موجب آن قضات واجد شرایط استقلال در درون نهاد قضایی مستقلی که به صورت غیر تبعیض آمیز بنا نهاده شده است، بدون التفات به عقاید و ذهنیت‌های از پیش تعیین شده در خصوص موضوع و اصحاب دعوا، با ارائه تضمین‌های عینی در عمل، صرفاً با در نظر گرفتن حقایق و قانون قابل اجرا و اصول عدالت و برابری اصحاب دعوا، دادگستری نمایند.»

### **بخش دوم: واکاوی حقوقی و کیفری استقلال و بی طرفی قاضی در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای**

شمار زیادی از اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه<sup>۱</sup> حق دادرسی منصفانه را در محضر دادگاه یا دیوان مستقل و بی طرف تضمین می‌کنند.<sup>۲</sup> با وجود این که بعضی از این اسناد برای دولت‌های عضو الزام‌آور نمی باشند، سطح بالایی از حمایت را از استقلال قضایی نشان می‌دهند.

اگر چه این اسناد در مفهوم حقوقی الزام‌آور نمی باشند اما معیارهای شناخته شده‌ی وسیعی

---

<sup>۱</sup>. حقوق بشر، به عنوان مجموعه‌ای از حقوق و آزادی‌ها، متضمن موارد استحقاق ذاتی هر فرد به صرف انسان بودن وی می‌باشد و در کلیه زمان ها، اعم از جنگ و صلح قابل اجرا می‌باشد. حقوق بشر دوستانه، به عنوان یک حق اضطراری قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه، در بردارنده ی قواعد و مقرراتی است که به منظور حل مسائل بشر دوستانه‌ای که از چنین وضعیت‌هایی ناشی می‌شوند، به وجود آمده، ضمن محدود ساختن حق طرفین مخاصمه در انتخاب روش‌ها و وسایل صدمه زدن به دشمن، بر آن است تا از قربانیان جنگ، رزمندگان از کار افتاده و کسانی که اصولاً در جنگ حضور و یا مشارکت ندارند، حمایت به عمل آورد. این دو شاخه‌ی حقوقی از جهات مختلف با هم تفاوت داشته، علاوه بر منشاء شکل‌گیری و منابع متفاوت، سیر تاریخی و توسعه آنها کاملاً جدا از هم رقم خورده است. ولی از جهات مهم دیگری همچون حمایت از انسان و حق برخورداری از تضمینات قضایی و... وجه مشترک زیادی بین آنها وجود دارد (البرزی و رکی: ۱۳۸۶: ۱۷).

<sup>۲</sup>. Human rights in the administration of justice: a manual on human rights for judges, prosecutors and lawyers professional training series no.9 office of the high commissioner for human rights in cooperation with the, international bar association.p117.



برای این دسته از موضوعات حقوق بشر ایجاد می‌کنند. به طور کلی این اسناد و به خصوص آن‌هایی که در چهارچوب سازمان ملل مورد قبول واقع شده‌اند، حقوق بین‌الملل را انعکاس می‌دهند. در عین حال بسیاری از این اسناد در بردارنده‌ی مقرراتی است که در معاهدات بوده است و در بعضی موارد حقوق بین‌الملل عرفی را دوباره اعلام می‌کنند. تعدادی از این اسناد اعلامی مثل اعلامیه جهانی حقوق بشر، در بردارنده‌ی مقرراتی در خصوص «حق محاکمه عادلانه» در محضر یک دیوان مستقل و بی‌طرف هستند (Zitune and others: ۲۰۰۴: ۶).

بنابراین علاوه بر معاهدات بین‌المللی که الزام به ایجاد دادگاه‌ها یا دیوان‌های مستقل و بی‌طرف را بر دولت‌ها تحمیل می‌کند، استقبال و حمایت چشم‌گیر اکثر دولت‌های جهان از حق محاکمه عادلانه در دادگاه مستقل و بی‌طرف، احترام به این حق را به عرفی بین‌المللی تبدیل کرده است که تمامی دولت‌ها حتی آن‌هایی را که تعهدات معاهده‌ای در این خصوص ندارند ملزم و متعهد به محترم شمردن آن می‌کند. همچنین سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد به عنوان تابعان حقوق بین‌الملل، نیز ملزم به احترام و توجه به این حق بنیادین بشری می‌باشند. بنابراین در انتصاب قضات بین‌المللی و تشکیل هر نوع دادگاه یا دیوان، در سطح بین‌الملل، از سوی این سازمان بین‌المللی و تحت هر شرایطی، معیارهای «محاکمه عادلانه» و اساس آن که همانا «اصل استقلال و بی‌طرفی قضات و دادگاه‌ها» است باید محترم شمرده شود. مضافاً، همان‌طور که گذشت اساساً فقدان استقلال و بی‌طرفی قضات و دادگاه‌های ملی همواره یکی از علل تشکیل دادگاه‌های بین‌المللی بوده است. در این بخش شماری از اسناد بین‌المللی که توسط نهادهای رسمی بین‌المللی، اتحادیه‌های حرفه‌ای بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی<sup>۱</sup> به وجود آمده‌اند و «حق دادرسی مستقل و بی‌طرفانه» را به رسمیت ساخته و پیرامون آن، مقررات، اصول و پیشنهاداتی دارند مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

(۱) اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد<sup>۲</sup> (۱۹۴۸)

ماده ۱ این اعلامیه مقرر می‌دارد: «هر کس حق دارد با تساوی کامل به منظور مشخص

<sup>۱</sup>. NGO's

<sup>۲</sup>. Online available at:

<http://www.heweb.org/legal/udhr.html>



شدن هر اتهام کیفری که علیه او مطرح است توسط یک دادگاه مستقل و بی‌طرف در یک دادرسی منصفانه و علنی محاکمه شود.»

(۲) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل<sup>۱</sup> (۱۹۶۶)

این میثاق در بند ۱ ماده ۱۴ خود مقرر می‌دارد

«...هرکس حق دارد در یک دادرسی علنی توسط دادگاهی مستقل و بی‌طرف که به موجب قانون ایجاد شده است، محاکمه شود.»

پروفسور «منفردنواک»<sup>۲</sup> در تفسیر این بند معتقد است؛ منظور آشکار این ماده این است که حمایت تضمین شده (استقلال و بی‌طرفی) را فراتر از اصطلاح رسماً تعریف شده «دادگاه»، توسعه دهد. از یک طرف کافی نیست که مراجع ملی مرجعی به نام دادگاه ایجاد کنند، در حالی که الزامات استقلال و بی‌طرفی بند ۱ ماده ۱۴ میثاق را برآورده نکند و از طرف دیگر مراجع اداری که ساختارهای آزاد و کاملاً مستقلی دارند تحت شرایطی می‌توانند شروط مورد نیاز ماده ۱۴ را برای دادگاه تلقی شدن، داشته باشند.<sup>۳</sup>

(۳) منشور حقوق مردم و حقوق بشر افریقا<sup>۴</sup> (۱۹۸۱)

این منشور در ۲۱ اکتبر ۱۹۸۶ اجرایی شده است. مواد ۷ و ۶، ۵ این منشور مشتمل بر مقرراتی در خصوص حق محاکمه علانه است.

قسمت «d» بند ۷ این منشور در خصوص حق محاکمه عادلانه توسط یک دادگاه مستقل و بی‌طرف صراحت دارد. مضافاً این که، ماده ۲۶ این سند دولت‌های عضو را موظف به تضمین استقلال دادگاه‌ها می‌سازد. علاوه بر این مصوبه نوزدهمین جلسه عادی کمیسیون حقوق بشر و حقوق مردم افریقا<sup>۵</sup> (مارس ۱۹۹۶) در خصوص محترم شمردن و تقویت استقلال قضایی، از کشورهای افریقایی می‌خواهد آن دسته از مقرراتشان را که مخالف اصل احترام به استقلال نهادهای قضایی است را، ملغی کنند.

<sup>۱</sup>. Online available at: <http://www1.umn.edu/humanrts/instree/b3ccpr.htm>

<sup>۲</sup>. Manfred Nowak

<sup>۳</sup>. International bar association, Human rights institute, conference Hong Kong ۱۲-۱۴ June ۱۹۹۸, independence of the judiciary, basic principle new challenges, speech represented by Justice Michael Kirby.

<sup>۴</sup>. Online available at: <http://www1.umn.edu/humanrts/instree/z1afchar.htm>

<sup>۵</sup>. Online available at: [http://www.achpr.org/english/resolutions/resolution26\\_en.html](http://www.achpr.org/english/resolutions/resolution26_en.html)



۴) کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی اروپا<sup>۱</sup> (۱۹۵۰)

بند ۱ ماده ۶ این کنوانسیون اذعان می‌دارد:

«به منظور تعیین حقوق و تعهدات مدنی یا هر اتهام کیفری علیه افراد؛ هر شخص حق محاکمه علنی و عادلانه، در مدت زمانی معقول توسط یک دیوان مستقل که پیش‌تر به موجب قانون ایجاد شده است، را دارد.»

۵) کنوانسیون حقوق بشر امریکا<sup>۲</sup> (۱۹۶۹)

بند ۱ ماده ۸ این کنوانسیون تصریح می‌کند:

«هر شخص حق دارد به موجب تضمین‌های مقتضی و در زمانی معقول توسط دادگاهی صالح، مستقل و بی‌طرف که از قبل به موجب قانون ایجاد شده باشد، در اثبات هر اتهام دارای ماهیت کیفری که علیه وی طرح شده یا برای تعیین حقوق و تعهداتش با ماهیت خصوصی، کاری، مالی، یا هر ماهیت دیگر، مورد محاکمه عادلانه قرار گیرد.»

۶) کنوانسیون سازمان ملل در خصوص حقوق کودک<sup>۳</sup> (۱۹۸۹)

بند ۲ ماده ۴۰ این کنوانسیون به استقلال و بی‌طرفی محکمه اشاره دارد.

۷) کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های آن<sup>۴</sup>

الف) کنوانسیون ژنو در خصوص حمایت از غیر نظامیان در زمان جنگ (۱۹۴۹)

ماده ۵ این کنوانسیون به محاکمه عادلانه اشاره دارد و ماده ۱۴۷ آن، محروم کردن اشخاص مورد حمایت کنوانسیون را از حق محاکمه عادلانه و قانونی، نقض فاحش مقررات کنوانسیون می‌داند.

ب) پروتکل ۸ ژوئن ۱۹۷۷ در خصوص حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی الحاقی به کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو

بند ۴ ماده ۷۵ این پروتکل تصریح می‌کند:

«در خصوص اشخاصی که در رابطه با منازعات مسلحانه مسؤول تشخیص داده شده‌اند، هیچ مجازاتی نمی‌تواند تعیین شود و هیچ مجازاتی نمی‌تواند اجرا شود مگر به موجب محکومیتی

<sup>۱</sup>. Online available at: <http://conventions.coe.int/treaty/en/Treaties/Html/۰۰۰.htm>

<sup>۲</sup>. Online available at: <http://www.cidh.org/Basicos/basic۳.htm>

<sup>۳</sup>. Online available at: <http://www.hrweb.org/legal/child.html>

<sup>۴</sup>. Online available at: <http://www.genevaconventions.org>



که توسط یک دادگاه بی طرف و منطبق بر قانون که اصول کلی شناخته شده دادرسی قضایی قانونی را محترم می شمارد، اعلام شده باشد.»

همچنین بند ۴ ماده ۸۵ این پروتکل محروم کردن ارادی و در تضاد با کنوانسیون و پروتکل را از حق محاکمه عادلانه و قانونی، نقض فاحش این مقررات می داند.

ج) پروتکل ۸ ژوئن ۱۹۷۷ ژنو در خصوص حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه داخلی (غیر بین المللی) الحاقی به کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو

بند ۲ ماده ۶ این پروتکل مقرر می دارد:

«در خصوص شخصی که مسؤول یک جرم شناخته می شود، هیچ گونه مجازاتی نباید تعیین و هیچ مجازاتی نباید اجرا شود مگر این که مطابق کنوانسیون توسط دادگاهی که تضمین های ضروری استقلال و بی طرفی را ارایه می دهد اعلام شده باشد.»

۸) اصول حقوق بین الملل شناخته شده در منشور و رای دیوان نورنبرگ<sup>۱</sup> (۱۹۵۰)

بر مبنای بند (a) مصوبه ۱۷۷/۲ مجمع عمومی سازمان ملل، کمیسیون حقوق بین الملل مأموریت یافت اصول حقوق بین الملل شناخته شده در منشور و رأی دیوان نورنبرگ را تنظیم کند. این تنظیم توسط کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل متحد در ۱۹۵۰ صورت گرفته است. این کمیسیون حقوق محکمه نورنبرگ را در ۷ اصل خلاصه کرده است (حسینی نژاد: ۱۳۸۳: ۱۷۴). اصل ۵ آن حاکی از آن است که: «شخصی که بر مبنای حقوق بین الملل متهم به جرمی است، حق محاکمه عادلانه بر اساس واقعیات و قانون را دارد.»

مطابق مفهوم مخالف این اصل، به جز حقایق و واقعیات موجود در پرونده و قوانین مربوط به آن ها هیچ چیز دیگری از جمله جانب داری قاضی از یکی طرفین دعوا به انگیزه های مختلف نباید در تصمیم گیری در خصوص پرونده دخیل باشد.

۹) اصول بنیادین سازمان ملل در خصوص استقلال قضایی<sup>۲</sup> (۱۹۸۵)

این اصول مصوب هفتمین کنگره سازمان ملل در خصوص پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان است که از ۶ آگوست تا سپتامبر ۱۹۸۵ در شهر میلان ایتالیا برگزار شد. این اصول به موجب مصوبه های ۴۰/۲۳ بیست و نهم نوامبر ۱۹۸۵ و ۴۰/۱۴۶،

<sup>۱</sup>. Online available at: <http://www.icrc.org/ihl.nsf/FULL/۳۹۰?OpenDocument>

<sup>۲</sup>. Online available at: [http://www.unhchr.ch/html/menu۳/b/h\\_comp۵۰.htm](http://www.unhchr.ch/html/menu۳/b/h_comp۵۰.htm)



دسامبر ۱۹۸۵ مجمع عمومی تأیید گردیدند (Prefontaine and Lee: ۱۹۹۸: ۴). این مجموعه از اصول شامل چندین اصل ارزشمند است که استقلال قضایی را تضمین می‌کنند و به عنوان اصول بنیادین استقلال قضایی شناخته می‌شوند. (۱۰) شیوه‌هایی برای اجرای مؤثر اصول بنیادین سازمان ملل در خصوص استقلال قضایی<sup>۱</sup> (۱۹۹۰)

این سند که مصوب شماره ۱۹۸۹/۶۰ پانزدهمین نشست جامع شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل در ۲۴ می ۱۹۸۹ است، در ماده ۱۰ تصریح می‌کند: «...دولت‌ها باید اصول پایه استقلال قضایی را در سیستم‌های دادگستری خود به فراخور قانون و رویه‌های داخلی بگنجانند.»

(۱۱) حداقل معیارهای استقلال قضایی کانون بین‌المللی وکلای مدافع<sup>۲</sup> (۱۹۸۲) این معیارها که در ۴۶ شماره گنجانده شده‌اند؛ به موضوعات استقلال قضایی می‌پردازند. به دنبال پذیرش اصول فوق کمیته فرعی سازمان ملل در خصوص صغار توجه خود را به ایجاد مکانیسمی برای نظارت بر اجرای اصول معطوف کرد و در سال ۱۹۹۴ اولین گزارش‌گر مخصوص در خصوص استقلال قضات، وکلای مدافع و دادستان‌ها منصوب شد (Perfontanie and Lee: ۱۹۹۸: ۶).

(۱۲) پیشنهادات اولین کنفرانس عرب در خصوص دادگستری، بیروت<sup>۳</sup> (۱۹۹۹) این پیشنهادات در کنفرانسی که از ۱۴ تا ۱۶ ژوئن ۱۹۹۹ به دعوت مرکز استقلال قوه قضاییه و مشاغل حقوق عرب<sup>۴</sup> با همکاری مرکز استقلال قضایی مستقر در ژنو<sup>۵</sup> به میزبانی کانون وکلای بیروت تشکیل شد، مصوب گردید. در این کنفرانس ۱۱۰ حقوق‌دان عرب از ۱۳ کشور عربی شرکت داشتند. این سند مشتمل بر پیشنهاداتی در خصوص بهبود استقلال قضایی است.

<sup>۱</sup>. Online available at:

<http://www.hrmi.it/downloads/structure/procedure%20for%20the%20effective%20implementation%20of%20the%20basic%20principles%20on%20the%20independence%20of%20the%20judiciary.pdf>

<sup>۲</sup>. Online available at: [http://www.ibanet.org/About\\_the\\_IBA/IBA\\_resolutions.aspx](http://www.ibanet.org/About_the_IBA/IBA_resolutions.aspx)

<sup>۳</sup>. Online available at: [www.osun.org/Fist+of+Justice-pdf.html](http://www.osun.org/Fist+of+Justice-pdf.html)

<sup>۴</sup>. ACIJLP

<sup>۵</sup>. CIJL



۱۳) اصول رفتار قضایی بنگلر، هند<sup>۱</sup> (۲۰۰۲)

این اصول در سال ۲۰۰۱ توسط گروه تقویت صداقت قضایی تدوین شده و در نشست دوره‌ای وزیرای دادگستری، که در کاخ صلح در هند تشکیل شد، در روزهای ۲۶ و ۲۵ سال ۲۰۰۲ به تصویب رسید. این اصول به حمایت سازمان ملل و با الهام از «اعلامیه سازمان ملل در زمینه اصول بنیادین استقلال قضایی» و نیز اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی و سیاسی تهیه و تدوین شده است. این اعلامیه نسبت به شناسایی و اعلام «شش ارزش<sup>۲</sup>» اقدام نموده و زیر هر یک از این ارزش‌ها یک «اصل<sup>۳</sup>» و در زیر هر اصل موادی در زمینه اعمال آن‌ها آمده است (هداوند: ۱۳۸۶: ۲۸۹).

۱۴) منشور جهانی قضا<sup>۴</sup> (۱۹۹۱)

این منشور به اتفاق آرای نمایندگان از ۴۲ کشور جهان حاضر در جلسه مجمع عمومی قانون بین‌المللی قضا<sup>۴</sup> در ۱۷ نوامبر ۱۹۹۹ در تایپه تصویب شد. این منشور مشتمل بر ۱۵ ماده است که حداقل استانداردهای شرایط کاری قضا<sup>۴</sup> را بیان می‌کند.

۱۵) اعلامیه حقوق و وظایف انسان امریکا، بوگوتای کلمبیا<sup>۵</sup> (۱۹۴۸)

این اعلامیه در نهمین کنفرانس دولت‌های آمریکایی در شهر بوگوتا<sup>۶</sup> در جمهوری کلمبیا پذیرفته شد. ماده ۱۸ این اعلامیه به حق محاکمه عادلانه و ماده ۲۶ به حق محاکمه توسط یک مرجع بی‌طرف اشاره دارد.

۱۶) منشور بین‌المللی حقوق قانونی دفاع، کیک کانادا<sup>۷</sup> (۱۹۸۷)

ماده ۳ این منشور حق دسترسی به دادگاه مستقل و بی‌طرف را برای همه اشخاص به

---

<sup>۱</sup>. Online available at:

[http://www.transparency.org/building\\_coalitions/codes/bangalore\\_conduct.html](http://www.transparency.org/building_coalitions/codes/bangalore_conduct.html)

<sup>۲</sup>. Value

<sup>۳</sup>. Principle

<sup>۴</sup>. Online available at:

<http://www.domstol.dk/html/publikationer/universal/UniChaUk.pdf>

<sup>۵</sup>. Online available at:

[www.oas.org/.../access\\_to\\_information\\_human\\_right\\_American\\_Declaration\\_the\\_Rights\\_and\\_Duties\\_of\\_Man.pdf](http://www.oas.org/.../access_to_information_human_right_American_Declaration_the_Rights_and_Duties_of_Man.pdf)

<sup>۶</sup>. Bogota

<sup>۷</sup>. Online available at:

<http://www.uanet.org.documents/qqia/resolutions/international%۲۰charter%۲۰of%lega%۲۰Defence%Rights.pdf>



رسمیت شناخته است.

(۱۷) نظام‌نامه محاکمه عادلانه سازمان عفو بین‌الملل<sup>۱</sup> (۱۹۹۹)

این نظام‌نامه راهنمایی است برای معیارهای منطقه‌ای و بین‌المللی که از حق محاکمه عادلانه حمایت می‌کنند. این نظام‌نامه در ارزیابی احترام به معیارهای بین‌المللی محاکمه عادلانه از سوی نظام‌های عدالت کیفری کشورهای جهان راه‌گشا است.

(۱۸) اعلامیه جهانی استقلال قاضی، مونترال<sup>۲</sup> (۱۹۸۳)

هر دو متن فرانسه و انگلیسی این اعلامیه جهانی، در اولین کنفرانس جهانی استقلال دادگستری که در سال ۱۹۸۳ در مونترال کانادا برگزار گردید، مورد قبول قرار گرفت. کنفرانس تحت رهبری قاضی «جولز دیچنز»<sup>۳</sup> از کانادا و حمایت هفت سازمان کانادایی (شامل شورای قضایی کانادا، کنفرانس قضات کانادایی، کانون وکلای کانادا، واحد بین‌المللی حقوق دانان کانادا و...) سازماندهی شد، این کنفرانس مورد توجه نمایندگان ۲۶ نهاد بین‌المللی از جمله، سازمان ملل، دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه، دادگاه حقوق بشر اروپا، کانون بین‌المللی وکلا، کمیسیون بین‌المللی حقوق دانان، سازمان عفو بین‌الملل و... قرار گرفت. اعلامیه مونترال تنها سندی است که شامل مقرراتی در خصوص قضای بین‌الملل است و از این حیث حائز اهمیت است.

علاوه بر اسناد مذکور در این خصوص از، دستور العمل حداقل معیارهای کانون بین‌المللی وکلا در خصوص استقلال قضایی<sup>۴</sup> (۱۹۸۲) و اعلامیه اصول استقلال قضایی منطقه «لایشیا»<sup>۵</sup> پکن<sup>۶</sup> (۱۹۹۵) و... نیز می‌توان نام برد.

### بخش سوم: محاکمه عادلانه و تعمیم اصول آن به محاکمات کیفری بین‌المللی

«محاکمه عادلانه»<sup>۷</sup> یکی از اصول بین‌المللی حقوق بشر است که توسط بسیاری از کشورها در قوانین آیین دادرسی مورد قبول واقع شده است. این حق برای حمایت از اشخاص در

<sup>۱</sup>. Online available at: <http://www.amnesty.org/en/library/info/POL۳۰/۰۰۲/۱۹۹۸>

<sup>۲</sup>. Online available at:

[http://www.mpil.de/shared/data/pdf/pdfjudind/montreal\\_declaration.pdf](http://www.mpil.de/shared/data/pdf/pdfjudind/montreal_declaration.pdf).

<sup>۳</sup>. Jules Deschenes

<sup>۴</sup>. Online available at: [www.ibanet.org/pdf/HRIMinimumStandards.pdf](http://www.ibanet.org/pdf/HRIMinimumStandards.pdf).

<sup>۵</sup>. lawasia

<sup>۶</sup>. Online available at: [http://lawasia.asn.au/beijing\\_statement.htm](http://lawasia.asn.au/beijing_statement.htm).

<sup>۷</sup>. Fair trial



مقابل محرومیت و تحدید غیر قانونی و مستبدانه از دیگر حقوق و آزادی‌های اساسی وضع شده است (۶۶: ۲۰۱۰: Tiwari). حق بر محاکمه عادلانه یکی از معروفترین، محبوبترین و مهمترین حقوق انسان‌ها است، که در جریان تحول تمدن حقوقی بشر پدید آمده است. سابقه این حق را به سنت آنگلو ساکسونی «رعایت آیین قانونی»<sup>۱</sup> باز می‌گردانند، که ریشه آن به منشور کبیر<sup>۲</sup> انگلستان می‌رسد. البته این حق منطبق بر فطرت و سرشت آدمی و مبتنی بر عقل و خرد انسان است، و ادیان الهی هم آدمیان را به آن توجه داده و ارشاد نموده‌اند (فضائلی: ۳۵: ۱۳۸۷).

رعایت اصول دادرسی عادلانه به هیچ وجه به معنی ارفاق به کسی نیست، بلکه رعایت این اصول در رسیدگی‌ها موجب می‌شود در برخورد با اصحاب دعوا انسانیت افراد فراموش نشده و عدالت و انصاف در حق آنان رعایت شود. رعایت این حق نشانگر آن است که جامعه به آن حد از عقلانیت رسیده که از اشتباه، سوء استفاده و غرض ورزی جلوگیری کند. برخلاف آنچه معمول است، دادرسی عادلانه تضمین حقوق دفاعی متهم نیست، بلکه دادرسی عادلانه در معنای دقیق خود، به دنبال حفظ و حمایت از حقوق و آزادی‌های تمامی افرادی است که به نوعی در فرایند دادرسی سهیم هستند. حفاظت از حقوق نیز نه تنها در جلسه دادرسی ضروری است، بلکه امر عام است که همه مباحث مربوط به تشکیلات دادگستری، جلسه دادرسی، صدور حکم، تضمینات بعد از حکم و اجرای حکم را شامل می‌شود (صفری: ۱۵: ۱۳۸۸). مراد از محاکمه عادلانه رسیدگی و تصمیم‌گیری قضایی درباره موضوعات مدنی و کیفری میان طرفین دعوا چه در امور حکمی و چه در امور موضوعی، در دادگاهی قانونی، صلاحیت‌دار، مستقل، بی‌طرف و غیر ذینفع، با رعایت اصول و آیین‌های از پیش تعیین شده و تضمین حقوق قانونی طرفین دعوا در طی مراحل مختلف دادرسی است.<sup>۳</sup> تضمین این نوع محاکمه در سیستم‌های حقوقی مختلف دنیا صورت‌های متفاوت دارد، زیرا درک و فهم هر جامعه به تناسب فرهنگی که دارد از این مفهوم با جوامع دیگر متفاوت است. اما به رغم

<sup>۱</sup>. Due process of law

<sup>۲</sup>. Magna carta

<sup>۳</sup>. برای دیدن مفهوم و قلمرو دادرسی عادلانه رج. ک به:

فضائلی، مصطفی، ۱۳۸۷ ه. ش، دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین‌المللی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ص ۹۴-۴۵.



وجود تفاوت‌ها، طی دهه‌های گذشته شماری از قواعد اساسی در سطح بین‌المللی تبلور یافته، که به عنوان تضمین‌های محاکمه عادلانه مورد پذیرش عمومی واقع شده است (فضائی: ۳۷: ۱۳۸۷). در رابطه با تعمیم اصول دادرسی عادلانه به محاکمات کیفری بین‌المللی، مسلم است که هرچند قاعده خاصی وجود ندارد که تعهدی بر دولت‌ها تحمیل کند تا تضمینات حقوق بشر را در سطح بین‌المللی توسعه دهند، با این وجود، دلایل کافی برای این تعمیم وجود داشته و دارد. نخست، رعایت دقیق تشریفات قانونی لازم نوعی حمایت اساسی از فرد است، که نه تنها در شرایط استثنایی صورت گرفته بلکه به گستره معینی محدود نمی‌شوند. برای مثال تشریفات قانونی حتی در طول مخاصمات مسلحانه بین‌المللی باید اجرا شود. البته، می‌توان گفت که رسیدگی به جرایم بین‌المللی دارای چنان ماهیت استثنایی و غیر عادی هستند که بیشتر تشریفات قانونی باید به حالت تعلیق درآیند، با این حال این استدلال قانع کننده نیست، به ویژه وقتی که ملاحظه می‌شود هم دیوان‌های موقت و هم دیوان کیفری بین‌المللی تأسیس شده‌اند تا از اجرای عدالت در مواردی که نظام ملی از هم پاشیده یا به لحاظ شرایط استثنایی در دسترس نیست، به صلح بین‌المللی کمک کنند (زاپالا: ۸: ۱۳۸۷). محاکم کیفری بین‌المللی ارگان‌های جامعه بین‌المللی هستند که در اجرای عدالت کیفری برای تکمیل سیستم‌های دادرسی کیفری ملی پدید آمده‌اند. افراد اصولاً تحت حاکمیت و صلاحیت دولت‌ها هستند، اگر عاملین جنایات توسط محاکم ملی به طور عادلانه مورد محاکمه قرار گیرند و عدالت کیفری در نظام‌های داخلی به طور موثر به اجرا درآید، دیگر نیازی به تأسیس دادگاه‌های کیفری بین‌المللی احساس نخواهد شد، پس حرکت جامعه بین‌المللی به سوی برپایی محاکمات کیفری بین‌المللی حکایت از عدم کفایت سیستم‌های ملی در اجرای مطلوب عدالت کیفری دارد (فضائی: ۳۹: ۱۳۸۷). تعلیق حقوق دادرسی منصفانه در دادگاه‌های ملی در قبال جرایم در صلاحیت دیوان (کیفری بین‌المللی)، می‌تواند موردی از عدم دسترسی به دادگاه ملی به شمار رود که می‌تواند اسباب مداخله دیوان کیفری بین‌المللی را فراهم کند. هدف دیوان‌های موقت کیفری بین‌المللی تضمین دادرسی عادلانه در شرایط فوق است. بنابراین غیر منطقی است بگوییم دیوان‌های موقت یا دیوان کیفری بین‌المللی به خاطر ماهیت استثنایی جرایم در صلاحیت‌شان، بتوانند از اعمال تضمینات دادرسی عادلانه امتناع ورزند. ثانیاً، تعمیم اصول دادرسی عادلانه به محاکمات کیفری بین‌المللی به دولت‌ها اجازه می‌دهد با دادگاه‌های کیفری بین‌المللی همکاری نمایند



یا در خواست‌های آن‌ها را به اجرا درآورند بدون آنکه با مخاطره ناتوانی در رعایت تعهدات خود به موجب مقررات حقوق بشری مواجه شوند (زاپالا: ۹: ۱۳۸۷).

معیارهایی که بر اساس آن‌ها یک محاکمه عادلانه ارزیابی می‌شود زیاد، پیچیده و اغلب استنتاجی هستند. معیارهای محاکمه عادلانه از لحظه‌ای که تعقیب علیه متهم شروع می‌شود تا زمانی که محاکمات، از جمله محاکمات استینافی، کامل شده باشند باید محترم شمرده شوند. به طور کلی این معیارها در سه سطح؛ پیش از محاکمه، در هنگام محاکمه، و پس از آن مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرند. با این وجود، تمیز بین این سه مرحله از یک دیگر امکان پذیر نبوده و در حقیقت، تخلف از این معیارها در هر یک از این مراحل می‌تواند به طور کامل بر مرحله دیگر تأثیر گذار باشد.<sup>۱</sup> یکی از بنیادی‌ترین این معیارها که زیربنای حق محاکمه عادلانه است و معمولاً در مرحله دادرسی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد حق بهره‌مندی از دادرسی توسط یک دادگاه صالح،<sup>۲</sup> مستقل،<sup>۳</sup> و بی طرف<sup>۴</sup> است. از آن‌جا که تنها یک قوه قضاییه یا نهاد قضایی مستقل و بی طرف قادر است عدالتی بی طرفانه، بر پایه‌های قانون استوار سازد؛ در نوشته‌های حقوقی از این معیار به عنوان یک اصل مهم دادرسی یاد شده است.<sup>۵</sup> اصل استقلال و بی طرفی دادگاه قویاً در همه نظام‌های حقوقی جا افتاده و بدون تردید یک اصل عمومی حقوق است. این اصل موجد یکی از بنیادی‌ترین اصول حقوق بشر است. چنان‌که شعبه پژوهش دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگوسلاوی سابق در قضیه فوروندژیا<sup>۶</sup> نظر داد:

«این اصل که لازم است متهم نزد محکمه‌ای مستقل و بی طرف محاکمه شود جزء لاینفک اصل ضرورت محاکمه منصفانه متهم و از حقوق اساسی وی بوده و مورد قبول همگان است» (کسسه: ۴۸۶: ۱۳۸۷).

<sup>۱</sup>. Lawyers committee for Human rights, what is fair trial?, A basic guide to legal standards and practice, March ۲۰۰۰, p ۱-۴.

<sup>۲</sup>. Competent

<sup>۳</sup>. Independence

<sup>۴</sup>. Impartial

<sup>۵</sup>. Human rights in the administration of justice: a manual on human rights for judges, prosecutors and lawyers, professional training series no. ۹ office of the high commissioner for human rights in cooperation with the international bar association. p ۱۱۵.

<sup>۶</sup>. Furundzija

### بخش چهارم: نگاهی به اصل استقلال قضاات در برابر یکدیگر

یکی از جنبه‌های استقلال قضایی که اغلب نادیده گرفته شده، این است که قضاات باید از یکدیگر نیز مستقل باشند. یک سیستم مناسب اداره امور قضایی برای کارمندان و رؤسای دادگاه‌ها، تنها سازماندهی مؤثر و منصفانه اعضا و امور مختلف دادگاه را پیش‌بینی می‌کند اما در اجرای نقش محوری صدور آرای قضایی، اعضای دادگاه یا دیوان باید مستقل باشند. اگر قضاات در صدور آرای قضایی ملزم به متابعت از دستور همکاران ارشد خود شوند، مستقل نخواهند بود. در دادگاه‌های جمعی (دادگاه‌های با بیش از یک قاضی) تقسیم وظایف و تبادل افکار و نظرات ضروری است اما حتی در چنین دادگاه‌هایی باید همیشه به حق هر قاضی نسبت به تصمیم‌گیری در خصوص موضوعات، بر مبنای وجدان قضایی و فهم از وقایع و قانون احترام گذاشته شود. کارمندان و رؤسای دادگاه‌ها نمی‌توانند به محدوده‌ای که برای استقلال قضایی واقعی لازم است، تجاوز کنند<sup>۱</sup>. البته حقوق دانان فرانسوی معتقدند؛ سیستم تعدد قاضی بر سیستم وحدت قاضی ارجحیت دارد؛ زیرا وجود روش تعدد برای قاضی مصونیت بیشتری می‌آفریند و جلوی بسیاری از اعمال نفوذها را می‌گیرد. اعمال نفوذ و تحت تأثیر قرار دادن قاضی واحد معمولاً آسان‌تر از اعمال نفوذ و تحت تأثیر قرار دادن هیأتی از قضاات است (جعفری‌ندوشن: ۲۲۵: ۱۳۸۳).

بنابراین در این سیستم مشورت و تبادل نظر و هم‌فکری مفید؛ ولی تحمیل نظر باید ممنوع شود. ماده ۴۶ از معیارهای قانون بین‌المللی وکلا نیز نشان می‌دهد؛ در فرآیند صدور رأی قاضی حتی باید در مقابل همکاران قضایی و حامیان خویش نیز مستقل باشد. دادگاه حقوق بشر اروپا نیز در قضیه سالوا علیه اکراین<sup>۲</sup>، تصریح نمود: «حتی الزام دادگاه‌های تالی به پیروی از دستورات دادگاه‌های عالی می‌تواند مسأله ساز باشد؛ زیرا این روش آن‌ها را از ارزیابی آزادانه موضوعات مطروحه نزد آنان محروم می‌کند». در این قضیه قاضی رسیدگی کننده به پرونده قانوناً به موجب دستورات هیأت رئیسه دادگاه منطقه‌ای که رأی قبلی او را نقض کرده بود و پرونده را برای صدور رأی بر مبنای

<sup>۱</sup> ۱۲-۱۴ International bar association, Human rights institute, conference Hong Kong June ۱۹۹۸, independence of the judiciary, basic principle new challenges, speech represented by Justice Michael Kirby.

<sup>۲</sup> . Salva v.Ukraine, Judgment of ۶ September ۲۰۰۵.



استدلال‌های خود ارجاع داده بود، محدود شده بود. هیأت رئیسه دادگاه منطقه‌ای توسط رئیسی ریاست می‌شد که در زمان مقتضی، بر انتصاب قضات دادگاه‌های تالی، ارزیابی کار، شروع دعاوی انتظامی و ترفیع شغلی آنان، تأثیر می‌گذاشت.

### بخش پنجم: استقلال دادگاه در رابطه با موضوعات مربوط به صلاحیت قضایی

دادگاه‌ها ممکن است بی‌طرف باشند اما دامنه صلاحیت‌ها به گونه‌ای نباشد که با توسل به آن بتوان قانونی بودن برخی از اعمال قدرتمندان را زیر سوال برد. در این شرایط علی‌رغم درجه‌ی بالای بی‌طرفی کاملاً صحیح نیست که چنین دادرسانی را مستقل بدانیم (لارکینز: ۲۲۶: ۱۳۸۱).

اصل ۳ از اصول بنیادین سازمان مقرر می‌دارد: «نهاد قضایی باید نسبت به رسیدگی به تمام موضوعات دارای ماهیت قضایی صالح باشد و باید در این خصوص که آیا نسبت به موضوعی که برای رسیدگی به او تقدیم شده است آن‌طور که به موجب قانون تعریف شده صالح است یا نه، یگانه مرجع تصمیم گیرنده باشد.»

در یک تحقیق از قضات اسپانیایی (تحت رژیم مطلقه فرانسیسکوفرانکو) ژوزه توهاریا<sup>۱</sup> (از اندیشمندان سیاسی) دریافت که اغلب دادرسان بسیار بی‌طرف بوده‌اند؛ به این دلیل که به ارزش‌هایی متفاوت از اصول دولت فرانکو معتقد بودند؛ اما این سطح بالای بی‌طرفی قضات، به وسیله فشارهای پنهانی دولت بر عدم دخالت سیاسی آن‌ها و تحدید جدی حوزه صلاحیت قضای ایشان، تعدیل شده است. توهاریا اشاره می‌کند که دادرسان (در کل) تحت آن رژیم به عنوان یک نهاد مشروع و حقانی، برای تنظیم و هدایت قانونی بودن رفتار حکومت در رابطه با مسائل مهمی مانند سیاست اشتغال، امور تجاری و اقتصادی و... تلقی نمی‌شده‌اند (لارکینز: ۲۲۶: ۱۳۸۱).

قسمت (iii) جزء (a) بند ۲ اصل ۱ از توصیه‌های کمیته وزیران شورای اروپا تصریح می‌کند: «به جز خود دادگاه‌ها هیچ نهادی نباید در خصوص صلاحیت آن‌ها که به موجب قانون تعریف شده است، تصمیم‌گیری نماید.»

در قضیه بومارتین علیه فرانسه<sup>۲</sup>، شورای دولتی فرانسه در ارزیابی پرونده مطروحه، به موجب تفسیری که از یک معاهده بین‌المللی توسط وزیر امور خارجه شده بود، محدود شد. دادگاه

<sup>۱</sup>. Jose Thoharia

<sup>۲</sup>. Beamartin v. France, Judgment of ۲۴ November ۱۹۹۴.

حقوق بشر اروپا در این قضیه خاطرنشان ساخت که این رویه می‌تواند دادگاه را از اعمال صلاحیت کامل محروم کند، لذا ماده ۶ کنوانسیون مورد نقض قرار گرفته است. با توجه به مفهوم ماده ۳ اصول بنیادین سازمان ملل، استقلال دادگاه‌ها در خصوص موضوع صلاحیت، در دو سطح قابل بررسی است. نخست در مرحله تعیین صلاحیت؛ در این مرحله صلاحیت نهاد قضایی باید به موجب قانون تعریف شده باشد؛ به عبارت روشن‌تر قانون یگانه مرجع تعیین کننده است، دادگاه‌ها نباید تحت تأثیر تبلیغات و فشار و... نسبت به موضوعات با ماهیت قضایی واحد برخوردی دوگانه روا دارند. مرحله دوم تصمیم‌گیری نسبت به صلاحیت است، در این مرحله مرجع قضایی باید یگانه مرجع تصمیم‌گیرنده باشد. به دلیل وجود طبقه‌بندی‌ها و قدرت‌های مختلف و نابرابر در عرصه بین‌الملل، موضع مورد بحث در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی از اهمیت بسزایی برخوردار است. با وجود گذشت سال‌ها از وقایع اتفاقی در فاصله جنگ جهانی دوم، برای جهانیان هنوز این پرسش باقی است که چرا متفقین پیروز در جنگ به واسطه ارتکاب اعمال مشابه آن‌چه که سران نازی را به خاطر آن مجازات کردند، محاکمه نشدند. حداقل انتظاری که از دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، به عنوان مجریان بی‌طرف عدالت می‌توان داشت؛ پرهیز از برخورد دوگانه در برابر ارتکاب اعمال ممنوعه با ماهیت قضایی یکسان، توسط افراد مختلف در تمامی سرزمین‌ها است.

### نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نهایی مقاله حاضر باید گفت اصل استقلال قضایی دادرسان برای منافع شخصی قضات در نظر گرفته نشده؛ بلکه در عوض برای حمایت مردم در مقابل سوء استفاده از قدرت است. بنابراین استقلال حق ویژه قاضی نیست بلکه منفعتی برای عموم است. منشور جهانی قضاوت نیز با بیان این که استقلال یک حق نیست بلکه یک تعهد است، شروع می‌شود. در این راستا حقوق بین‌الملل به منظور تضمین استقلال و بی‌طرفی نهاد قضایی، تصریح می‌کند که دولت‌ها قضات را به موجب معیارهای انتخابی منسجم و به شیوهای شفاف منتصب کنند. نهاد قضایی خطر عدم توانایی در انجام وظیفه خطیر خود را که ارائه عدالت به صورت مستقل و بی‌طرف است، را تحمل خواهد کرد؛ مگر این که قضات بر مبنای توانایی‌های حقوقی، انتخاب شده و ترفیع دریافت کرده باشند. بنابراین معیارهای انتخابی شایسته سالار، تضمینی ضروری برای استقلال است. اگرچه در حقوق بین‌الملل اجماعی در خصوص روش انتصاب، وجود ندارد؛ در این رابطه حقوق بین‌الملل با تصریح بر



این که انتصاب‌ها باید همیشه بر مبنای صلاحیت‌های حرفه‌ای و کمالات شخصی نامزدها باشد، انتخاب روش‌ها را به دولت‌ها واگذار کرده است. باید توجه داشت گزینش قضات برای انجام وظیفه در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی نیز از این قاعده مستثنی نیست بلکه به جهت وظیفه خطیر این دادگاه‌ها، انتخاب یا انصاب شایسته‌ترین افراد را می‌طلبد، اگرچه طبیعی است که در سطح بین‌المللی ماهیت انتخاب یا انتصاب کنندگان قضات با محدوده یک کشور متفاوت است. در خصوص انتصاب قضات دو موضوع حساس وجود دارد؛ نخست معیارهایی است که باید در خصوص انتصاب قضات رعایت شود و سپس مرجع انتصاب و روشی است که این مرجع در انتصاب قضات به کار می‌گیرد.



## منابع و مآخذ

قرآن کریم، نهج البلاغه و بعد .....

## الف) منابع فارسی

- آخوندی، محمود، ۱۳۸۴ ه.ش، آیین دادرسی کیفری، جلد چهارم، چاپ اول، تهران انتشارات مجد.
- استان، کارستن، ۱۳۸۴ ه.ش، معافیت نیروهای حافظ صلح دولت‌های غیر عضو اساسنامه‌ی ICC از صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین‌المللی ابهامات قطعنامه‌ی ۱۴۲۲ شورای امنیت، ترجمه‌ی سید حسام‌الدین لسانی، مجله‌ی حقوقی بین‌المللی، شماره‌ی ۳۲، تهران.
- اشبث، ویلیام، ۱۳۸۴ ه.ش، مقدمه‌ای بر دیوان کیفری بین‌المللی، ترجمه‌ی سید باقر میرعباسی و حمید الهویی نظری، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
- باختر، احمد، ۱۳۸۷ ه.ش، مجموعه کامل آرا وحدت رویه دیوان عالی کشور، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
- براتی، شهرام، ۱۳۸۱ ه.ش، صلاحیت شورای امنیت در ارتباط با دیوان کیفری بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- بیگزاده، ابراهیم، ۱۳۷۵ ه.ش، سازمان ملل متحد- محاکم کیفری بین‌المللی: تئوری و عمل، مجله تحقیقات حقوقی، شماره‌ی ۱۸، بانک اطلاعات مقالات حقوقی تدوین علی مکرّم، نسخه ۷/۴.
- تقی‌پور، علی رضا، ۱۳۸۵ ه.ش، حقوق متهم در دادرسی کیفری بین‌المللی، رساله دکتری، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- حامد، سهیلا، ۱۳۸۴ ه.ش، صلاحیت جهانی، چاپ اول، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- حجتی‌کرمانی، علی، ۱۳۷۹ ه.ش، سیر قضاوت در ادوار مختلف تاریخ، چاپ دوم، تهران، انتشارات کتاب آوند دانش با همکاری انتشارات مشعل دانش.
- حلی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، ۱۴۱۰ ه.ق، إرشاد الأذهان إلی أحكام الإیمان، جلد ۲، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.



- ساکت، محمد حسین، ۱۳۸۴ ه.ش، دادرسی در حقوق اسلامی، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- شریعت باقری، محمد جواد، ۱۳۸۸ ه.ش، حقوق کیفری بین‌الملل، چاپ نهم، تهران، انتشارات جنگل.
- صادق منش، جعفر، ۱۳۸۷ ه.ش، بررسی دگرگونی اصل استقلال قضایی در دادرسی نظامی ایران، ماهنامه‌ی دادرسی، شماره‌ی ۷۲، تهران.
- عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۶۸ ه.ش، فقه سیاسی، جلد ۱، چاپ دوم، تهران، مؤسسه‌ی انتشارات امیر کبیر.
- غمامی، مجید و محسنی، حسن، ۱۳۸۵ ه.ش، اصول تضمین‌کننده‌ی عملکرد دموکراتیک در دادرسی و اصول مربوط به ویژگی‌های دادرسی مدنی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره‌ی ۷۴، تهران.
- کریپی، ادواردو، ۱۳۸۳ ه.ش، دیوان بین‌المللی کیفری و حقوق بین‌الملل، ترجمه‌ی ابراهیم بیگ زاده، مجله تخصصی الهیات و حقوق، شماره‌ی ۱۲، تهران.
- کریر، رابرت و دی. وایت، نیجل، ۱۳۸۴ ه.ش، شورای امنیت و دادگاه کیفری بین‌المللی، ترجمه‌ی فرید محسنی و علی قاسمی، فصلنامه‌ی دیدگاه‌های حقوقی، شماره‌ی ۳۴ و ۳۵، تهران.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ه.ق، الکافی، جلد ۷، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
- محمدی گیلانی، محمد، ۱۳۸۰ ه.ش، قضا و قضاوت در اسلام، چاپ دوم، تهران، نشر سایه.
- میر محمد صادقی، حسین، ۱۳۸۷ ه.ش، دادگاه کیفری بین‌المللی، چاپ دوم، تهران، نشر دادگستر.
- نیک نفس، مهدی و گماری، مسعود، ۱۳۸۲ ه.ش، جرایم و مجازات‌ها در اساسنامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی و قوانین جزایی ایران، مجله مجلس و پژوهش، سال دهم، شماره‌ی ۳۸، تهران.
- واحدی، قدرت الله، ۱۳۸۹ ه.ش، رسیدگی به جرایم ارتكابی در سرزمین‌های اشغال شده، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.



ب) منابع لاتین

- Guarnieri, Carlo, 2004, *Judicial education as a support to judicial independence and major justice reform, The second international conference on the training of the judiciary: Judicial education in a world of challenge and change*, November 3, Ottawa, Online available at:  
<http://www.nji.ca/nji/internationalforum/Guarnieri.pdf>.
- Lau, Martin, *The independence of judges under Islamic law: International law and the new Afghan constitution*, Online available at: <http://www.zaoerv.de/64-2004-9-a-917-928.pdf>.
- Lawyer committee for human rights, 2000, *What is a fair trial?, A basic guide to legal standards and practice*, \_\_\_\_\_, Online available at: [http://www.humanrightsfirst.org/wp-content/uploads/pdf/fair\\_trial.pdf](http://www.humanrightsfirst.org/wp-content/uploads/pdf/fair_trial.pdf).
- Limbch, J Utta, and Cruz villalon, Pedro, and Errera, Roger: 2003, *Judicial independence: Law and practice of appointments to the European court of human rights*, \_\_\_\_\_, Online available at: <http://www.lhr.md/images/appointment.pdf>.
- Mackenzie, Ruth, and Sands, Filippe, 2003, *International courts and tribunals and the independence of the international judge*, *Harvard international law journal*, volume 44, Online available at: <http://www.pict-picti.org/publications/PICT/articles/mackenzie.pdf>.
- Prefontaine, Daniel and Lee, Jianne, *The rule of law and the independence of the judiciary*, 1998, paper prepared for word conference of the universal declaration of human right, Montreal – Canada, Online available at: <http://www.icclr.law.ubc.ca/Publications/Reports/RuleofLaw.pdf>.